

معمّا

سیاهی یک فرار

امید ارمین

مینا شنیده بود وقتی فرار کند، زنان مهربان و تنهایی هستند که به او سرپناه می دهند و می‌تواند در ازای کار در خانه آن‌ها زندگی راحتی داشته باشد. باعجله خود را به خیابان پشت مدرسه ر ساند و با تاکسی به ترمینال تهران رفت.

یک‌بار به تهران رفته بود. به خاطر بیماری مادرش همراه او در بیمارستان های تهران سرگردان بود، هیچ کس را در آن جانی شناخت. مقداری پول در کیف داشت که برای چنین روزی پس انداز کرده بود. در ترمینال برخلاف تصورش به راحتی بلیت خرید. وقتی داخل اتوبوس شد بدون اعتنا به شماره بلیت و صندلی در کنار زنی میان سال نشست و وقتی مرد جوانی خواست به سر جای خودش برود، اجازه گرفت در کنار آن زن بنشیند.

اتوبوس به راه افتاد، می‌دانست دیگر راهی برای بازگشت وجود ندارد، از پنجره به بیرون خیره شد و به گریه افتاد.

دل‌تنگ مادرش بود اما از کمک‌های پدرش همیشه منتفر بود.

وقتی به تهران رسید، احساس کرد در یک هیا هوای غریب گرفتار شده است. تصمیم گرفت خانه افراموش کند تا احساس دل‌تنگی نداشته باشد.

ساعت ۸ صبح بود که موبایل بازپرس کشیک قتل زنگ خورد. شنید جسد دختر نوجوانی در کانال آب ابودر تهران پیدا شده است.

دقایقی بعد، بازپرس پژوهش‌وار در منطقه ممنوعه شد که بانوار سفید رنگی به شعاع ۲۰ متر مشخص شده بود. در حاشیه کانال آب جسدی دیده می‌شد که کشش های کتانی و مانتویی به رنگ سفید، روسری نارنجی و شلوار لی به تن داشت و یک کیف نارنجی نیز در فاصله نیم متری اش روی سنگی افتاده بود.

وقتی بالای سر جسد رسید، از چهره سالم آن متوجه شد یک دختر کم سن و سال به قتل رسیده است و نوع آرایش او و رو صورتش کاملاً مشخص کرد مقتول یک دختر خیابانی یا فراری از خانه است.

هیچ آثاری از ضربات چاقو و خون آلودگی وجود نداشت. قرار گرفتن ز بان بین دندان‌های دختر نوجوان نشان می‌داد او را خفه کرده‌اند. ماموران تشخیص هویت نیز این فرضیه را تایید کردند و جای کبودی روی گلو ی مقتول را به بازپرس پژوهش نشان دادند. در بازرسی از کیف نارنجی دختر نوجوان، شناسنامه‌اش به دست آمد که مشخص می‌کرد مقتول مینا نام دارد و ۱۴ ساله است. از محل تولد وی به نظر می‌رسید خانواده‌اش در یکی از شهرستان های کوچک باشند.

بازپرس پژوهش با دیدن موبایلی در کیف مینا، آن را یک سرخ دانست. باید همه شماره تلفن های ذخیره شده و پیام های مقتول بررسی می‌شد. با وجود این که می‌دانست با این روش پای مظنونان زیادی به پرونده کشیده خواهد شد، دستور ویژه‌ای صادر کرد. هنوز یک هفته نگذشته بود که به بازپرس اطلاع دادند خانواده مینا شناسایی شده‌اند و ادعا دارند دختر شان از حدود ۴۵ روز پیش از خانه‌شان فرار کرده است. مدت کوتاه فرار مینا با شکل و شمایل او همخوانی نداشت اما وقتی بررسی های مخابراتی نشان داد شماره تلفن های زیادی در حافظه و مسیر تلفنی موبایل مینا نیست، بازپرس پی برد این دختر با عده محدودی آشنایی داشته است و می‌توان قاتل را شناسایی کرد!

حدود شش زن که همگی خیابانی بودند در تلفن مینا شناسایی شدند و تحت بازجویی قرار گرفتند. جالب این که تنها دو مرد جوان در بین تماس گیرندگان بودند و آنان نیز با دستور بازپرس پژوهش بازداشت شدند.

زنان ادعاهای مشابهی داشتند. مینا را به خوبی نمی‌شناختند و همگی در پارک‌ها و خیابان‌ها یا فروشگاه‌ها با او آشنا شده و تلفنی با هم در تماس بودند و حتی که شب در کنار هم نوبت‌ها ندادند.

نوبت به دو مردی رسید که افشین و کیارش نام داشتند. ابتدا افشین پشت میز بازجویی نشست، بازپرس قبل از هر کاری موبایل مینا را روی میز گذاشت، بعد گفت :

این گوشی برای تو آشنا نیست؟

–خیر، من گوشی باز نیستم و در کار خرید و فروش هم نیستم.

–دختری به نام مینا را می‌شناسی؟

–می‌دانم که همه چیز را می‌دانید، بله او را می‌شناسم و یک‌بار در پارکی او را دیدم و شماره موبایلش را گرفتم بعد از آن در تماس‌های تلفنی سعی داشتم قرار ملاقات بگذارم که نمی‌شد.

چگونه آشنا شدید؟

–چون دختر بچه بود و آرایش غلیظی داشت تعجب کردم. در اولین برخورد هم سن او را پرسیدم و شنیدم ۱۴ ساله است. خواستم نصیحت اش کنم اما شیطان و سوسه‌ام کرد.

می‌دانی کجاست؟

–اطلاعی ندارم، اگر در بازداشت است و ادعاهایی در باره من دارد می‌توانید مرا با او روبه‌رو کنید.

بازپرس از افسر پرونده خواست، افشین را از اتاق خارج کند، سپس کیارش را از خارج اتاق به میز بازجویی فراخواند:
این گوشی به نظر ت آشنا نیست؟

–اصلاً، انگار زنانه است، من مرد هستم، می‌پنید که؟!

می‌دانم امینا را که می‌شناسی؟

–وای مینا، می‌دانستم بر اید در درس‌ساز خواهد شد، فکر نمی‌کردم یک شماره اشتباه گرفتن من را به پای دختر ۱۴ ساله‌ای خواهد سوزاند.

منظورت چیه؟

–می‌خواستم به دوستم زنگ بزنم که اشتباهی به موبایل مینا زنگ زدم، عذر خواهی کردم اما او دست بردار نبود، مدام زنگ می‌زد و اس ام اس می‌داد. خود را ۲۲ ساله معرفی می‌کرد و می‌خواست ملاقاتی داشته باشیم.

ملاقات داشتید؟

–خیر، لزومی نداشت. من زن و بچه دارم، چندباری زنگ زدم و خواستم دست از سرم بردار اما خیلی پرمو بود.

یعنی او را اصلاً ندیده‌ای؟

فقط تماس تلفنی واس ام اس همین!

بازپرس پژوهش دستور دادر دومر در اختیار پلیس باشند، وقتی اتاق خلوت شد رو به پنجره نشست و به سر نوشت سیاه این دختر فراری فکر کرد، هنوز چایی‌اش تمام نشده بود که لیخندی زد و تلفن را برداشت. دقایقی نگذشته بود که کیارش با شنیدن تنها دلیل بازپرس پژوهش، پذیرفت که قاتل است. این مرد گفت: نخستین روزی که مینا به تهران آمد در میدان آزادی سوار ماشین من شد. به او علاقه‌مند شدم و تصمیم گرفتم مینا را برای خودم داشته باشم. خانه کوچکی اجاره کردم و موبایلی برای او خریدم اما هنوز ۱۰ روز نگذشته بود که فهمیدم مینا با مرد دیگری تماس تلفنی دارد و زنان زیادی به او زنگ می‌زنند. خیلی سعی کردم او را به سمت خودم بکشم. نشد تا این که در خانه استیجاری خفه‌اش کردم و...

پاسخ معمّا

تنها دلیل بازپرس پژوهش

هر دو متهم گاهی دروغ پردازی کرده‌اند تا خود را بی‌گناه‌شان دهند. افشین گفت که مینای ۱۴ ساله را دیده است اما از مدل موبایلش اطلاعی ندارد اما کیارش تاکید کرد هیچ‌گاه مینا را ندیده است اما در جای دیگری گفت که مینا ۱۴ ساله بود اما پشت تلفن وانمود می‌کرد، ۲۲ ساله است. اگر کیارش این دختر نوجوان را ندیده بود به خصوص این که تارو ز بازداشت از قتل اطلاع نداشت از کجا می‌دانست او درباره سر خود دروغ گفته و با وجود ۱۴ ساله بودن خود، ا پشت تلفن و در اس ام اس‌ها ۲۲ ساله معرفی کرده است. پس او مینا را ملاقات کرده بود و...

مرگ؛ فرجام تصمیم عجولانه دختر ۱۶ ساله

دختر نوجوان در غرب تهران وقتی

با مخالفت خانواده‌اش در خصوص پوشیدن لباس هایش قرار گرفت، برای پایان دادن به این اختلافات دست به اقدامی مرگبار زد. چندی پیش دختر ۱۶ ساله با یک پسر نوجوان آشنا شد و با گذشت زمان دوستی آن‌ها به یک عشق هیجانی تبدیل شد تا جایی که این دختر نوجوان به خاطر پوشش و طرز رفتارش با خانواده‌اش دچار اختلاف شد. دختر نوجوان که تحت تاثیر رفتارهای پسر مورد علاقه اش قرار گرفته بود، رفتار و پوشش‌اش تغییر کرده و همین باعث شده بود تا خانواده اش با او درگیر شوند و مخالف ادامه رفتارهای او شوند تا این‌که دختر نوجوان برای رهایی از این

اختلافات تصمیم عجیبی گرفت.

■ سقوط مرگبار

ساعت ۱۵ دقیقه بامداد دیروز

(۲۰ شهر یور) ماموران کلانتری

۱۴۰ باغ فیض تهران از سقوط

مرگبار دختر نوجوانی از بالای

یک ساختمان چهار طبقه در

غرب تهران مطلع شدند. بدین

ترتیب تیمی از ماموران پلیس و

امدادگران اورژانس در محل

حادثه حاضر شدند. در ابتدا تیم

پزشکی با بررسی های ابتدایی

مرگ دختر نوجوان را تایید کردند.

ماموران در ادامه پس از هماهنگی

با بازپرس ویژه قتل تحقیقات را

برای یافتن انگیزه این مرگ تلخ

آغاز کردند. خانواده دختر ۱۶

ساله ادعا کردند، دختر مان پس

از دوستی با پسر جوان لباس های

تحلیل کارشناسی

خطر برخورد های چکشی

دکتر اسمان ... قرائی مقدم جامعه

شناس‌و‌استاد دانشگاه

در تمام جوامع، والدین مسئول تربیت و

پرورش فرزندان بوده‌اند و پدر و مادر همواره

نگران رشد و تعالی فرزندان‌شان هستند.

برخی عوامل از سوی خانواده سبب

رشد و تعالی فرزند و برخی

سخت‌گیری‌ها عامل به تباهی

کشاندن فرزندان می‌شود.

برخورد های چکشی با فرزندان

که در سن بلوغ هستند و در دوران

سخت نوجوانی به سر می‌برند،

سبب می‌شود آن‌ها تجرد گرایی و انزوا

را انتخاب کنند. این قبیل جوانان و نوجوانان به

دلیل این که با خانواده‌شان تضاد فکری دارند،

احساس انزوا و تنهایی و به گروه همسالانی

گرایش پیدا می‌کنند که افکار و فرهنگ‌شان

با خانواده‌شان متفاوت است. نوجوانانی که

از سوی خانواده حمایت نمی‌شوند و اقتصادی

سنی و حتی برخی رفتارهای آن‌ها مورد پذیرش



خانواده نیست، از خانواده و اطرافیان خود بریده می‌شوند و مسیر دیگری را برای زندگی انتخاب می‌کنند که برخلاف فرهنگ و عقاید خانواده است. برخورد های چکشی و تعصبی سبب می‌شود این نوجوانان هیچ‌گاه به تکامل و رشد عقلی و فکری نرسند و خانواده همیشه نگران آن‌ها باشد. معمولاً خانواده های سنتی که از ارزش‌ها و هنجارهای سنتی پیروی می‌کنند، تضاد فکری شدیدی با فرزندان خود دارند در حالی که والدین باید با زبانی نرم و آرام مسائل را به فرزندان خود آموزش دهند.

رسم‌ور، سوم فرهنگی خود را از سنین کم به کودکان القا کنند تا در دوران نوجوانی با بحران هویت رو به ر و و مرتکب رفتارهایی نشوند که خانواده آن‌ها را نمی‌پذیرد. خانواده وظیفه دار د فرزند ان خود را از سنین رشد مسئولیت پذیر و وظیفه مدار بار بیاورد تا در آینده شاهد موفقیت فرزند ان خود باشد و نوجوانان شان به سمت خلاف و بزه کشیده نشوند.

سرقت میلیار دی از خانه دوست

ارزش گنجی که به دست می‌آورم از خودروام بیشتر است ولی خودش هیچ سهمی نمی‌خواهد.

■ به حرفش شک نداشتی؟

ابراهیم ادعا کرد وقت و حوصله پیدا کردن گنج را ندار دو آن قدر با اطمینان از محل گنج حرف می‌زد که به حرف هایش شک نکرد و این معامله را پذیرفت.

■ گنج را پیدا کردی؟

نه، همین که در محل گنج گفته شده دستگیر نشدم جای شکر داشت.

■ چطور؟

وقتی با دستگاه و نقشه گنج به محل طلاها و عتیقه جات رفتم هیچ خبری از گنج نبود و حتی پلیس با دیدن من در آن منطقه شک کرد و قبل از این که پلیس به سراغم بیاید پا به فرار گذاشتم.

■ ابراهیم خودرو را به توباز گرداند؟

نه، حتی می‌دانست که به پول نیاز دارم. وقتی به سراغش رفتم و گفتم که نقشه گنج دروغ بوده ادعا کرد که من دستم به گنج رسیده و قصد دارم خودرو ام را پس بگیرم که این حرفش برای من گران تمام شد و از همان روز از ابراهیم کینه به دل گرفتم و به دنبال انتقام گیری بودم. **■ دستگاه گنج یاب گران قیمت بود؟**

نه، حتی به بازار رفتم و با پرس و جواز فروشنده گان دستگاه های گنج یاب فهمیدم که این دستگاه ۲۰۰ هزار تومان ارزش دارد.

■ چطور به فکر سرقت افتادی؟

می‌دانستم ابراهیم داخل خانه اش طلا و پول زیادی نگهداری می‌کند به همین دلیل تصمیم به سرقت از خانه اش گرفتم تا انتقام بگیرم.

■ چطور وارد خانه اش شدی؟

روزی که برای سرقت وارد عمل شدم، می‌دانستم که ابراهیم در خانه نیست و با توجه به این که در گذشته به خانه اش رفت و آمد داشتم، می‌دانستم از چه مسیر هایی می‌توانم به راحتی وارد خانه اش شوم.

■ فکر می‌کردی دستگیر شوی؟

نه. در آن روز به هیچ چیزی جز انتقام فکر نمی‌کردم.

■ از دواج کرده‌ای؟

بله، وقتی تصمیم گرفتم سالم زندگی کنم و خلاف را کنار گذاشتم از دواج کردم اما اعتماد به یک دوست باعث شد تا دوباره خلاف کنم و به زندان باز گردم.

■ اعتیاد داری؟

نه.

■ ابراهیم حرف‌هایت را قبول ندارد؟

نباید هم قبول داشته باشد، چون اگر قبول کند به جرم کلاهبرداری اش اعتراض کرده‌و قانون خودرو ام را از او پس می‌گیرد.

■ چرا قبل از سرقت شکایت نکردی؟

اعتماد کرده بودم و به صورت محضری به نام ابراهیم کرده بودم و هیچ مدرک قانونی برای این که حرف‌را اثبات کنم نداشت. حتی می‌ت رسیدم ماجرای نقشه و پیدا کردن گنج را مطرح کنم.

■ چرا؟

چون شاید مرادستگیری می‌کردند یا به ساده لوحی من می‌خندیدند. بنا بر این گزارش، کیومرث به دستور بازپرس پرونده در اختیار ماموران پلیس تهران قرار گرفت و تحقیقات برای صحت و درستی حرف‌های سارق میلیار در ادامه دارد.

تحلیل کارشناسی

خطر برخورد های چکشی

دکتر اسمان ... قرائی مقدم جامعه

شناس‌و‌استاد دانشگاه

در تمام جوامع، والدین مسئول تربیت و

پرورش فرزندان بوده‌اند و پدر و مادر همواره

نگران رشد و تعالی فرزندان‌شان هستند.

برخی عوامل از سوی خانواده سبب

رشد و تعالی فرزند و برخی

سخت‌گیری‌ها عامل به تباهی

کشاندن فرزندان می‌شود.

برخورد های چکشی با فرزندان

که در سن بلوغ هستند و در دوران

سخت نوجوانی به سر می‌برند،

سبب می‌شود آن‌ها تجرد گرایی و انزوا

را انتخاب کنند. این قبیل جوانان و نوجوانان به

دلیل این که با خانواده‌شان تضاد فکری دارند،

احساس انزوا و تنهایی و به گروه همسالانی

گرایش پیدا می‌کنند که افکار و فرهنگ‌شان

با خانواده‌شان متفاوت است. نوجوانانی که

از سوی خانواده حمایت نمی‌شوند و اقتصادی

سنی و حتی برخی رفتارهای آن‌ها مورد پذیرش

نامناسب می‌پوشید و با تمام

مخالفت هایی که از سوی ما بود

او به رفتار هایش ادامه می‌داد و

دختر مان تحت تاثیر حرف های

پسر جوان بود. خانواده‌وی اظهار

کردند، شامگاه سه شنبه بود که

بر سر پوشش با دختر مان بحث

کردیم تا این که در نخستین

دقایق بامداد صدای عجیبی

شنیدیم و وقتی به دنبال صدا

رفتیم متوجه شدیم دختر مان

خودش را از بالای ساختمان

به پایین انداخته است. بنا بر

این گزارش، بازپرس ویژه قتل

در این پرونده دستور داد

تا جسد دختر نوجوان به

پزشکی قانونی منتقل شود و

تحقیقات در این زمینه ادامه

دارد.



تحلیل کارشناسی

اعتماد کردن، تصادفی نیست



دکتر جعفر بای‌آسیب شناس اجتماعی
برخی جرایم ناشی از اعتماد بین دوستان است

و اغلب این اتفاقات به این دلیل است که دوستی‌ها سطحی و گذراست و دوستان بدون شناخت از یکدیگر فعالیت‌های اقتصادی‌شان را آغاز می‌کنند.

در برخی پرونده‌های سارقان دیده می‌شود، اعتماد دو دوست

منتهی به جرایم سنگینی می‌شود که تاوان بی‌شماری را بایدد پس دهند.

وقتی روابط دوستی از روی شناخت عمیق و دقیق نباشد و افراد از گذشته

یکدیگر مطلع نباشند و به صورت تصادفی و اتفاقی پیوند دوستی‌شان

شکل بگیرد، مسلم است که این روابط به ظاهر دوستانه به ر خدادهای

ناگوار ختم می‌شود. فعالیت‌های اقتصادی اگر بر اساس برنامه دقیق

و هدفمند نباشد، اساساً بنیان این فعالیت‌ها اشتباه و نادرست است

و دوستان در این فعالیت‌های اقتصادی برای یکدیگر توطئه چینی

می‌کنند تا به منفعت خود دست یابند. فعالیت‌های نادرستی مانند یافتن

گنج و... جزو فعالیت‌های نامشروع در جامعه به شمار می‌رود که پایه و

بنیان و اصول درستی نداشته و در نهایت ر خدادهایی چون سرقت، آدم

ربایی و شاید قتل را رقم بزند. متأسفانه افرادی که در برخی مسائل نابلد

هستند، بلافاصله جذب فردی می‌شوند که فقط ظاهر دوست را دارد و

باز هم بدون آگاهی معاملات اقتصادی انجام می‌دهند تا سود کلانی را به

دست بیاورند، بنابر این قربانی ارتباط دوستانه می‌شوند. وقتی راه‌مسیر

درستی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی انتخاب نشود و فقط با اعتماد

به یک دوست در مسیر حرکت کنند قطعاً با شکست ر و به‌رو خواهند شد

زیرا روابط سطحی و ظاهری است و در ذهن یک سوی این رابطه به ظاهر

دوستانه، تئوری توطئه شکل گرفته و مقابل از بلایی که قرار است

سرش بیاید پی خبر است. از این رویک سوی این رابطه به دنبال فرصت

مناسبی است تا سر دوست خود کلاه بگذارد تا بتواند سود کلانی به جیب

بزند. این قبیل دوستی‌ها زیر ساخت‌های شومی دارد و عامل خیانت در

امانت به شمار می‌رود و حتی گاهی دیده می‌شود، قتل‌های گروهی و

خانوادگی را رقم می‌زند. در برخی از این افراد که مورد سوء استفاده از

سوی دوست خود قرار گرفته‌اند، آتش کینه و انتقام و دشمنی به قدری

زیاد است که برای انتقام گیری مرتکب رفتار هایی می‌شوند که از عواقب

آن بی‌خبر هستند.

پوشیدن لباس زنانه برای سرقت از خانه زن جوان تهرانی

تیم پلیسی با بررسی های دقیق تر با توجه به اندام و

وضعیت راه رفتن سارق احتمال دادند که دزد جوان

یک مرد با پوشش زنانه است.

کارآگاهان به سراغ زن جوان رفتند و با توجه به این

که احتمال می‌رفت سرقت از سوی یک آشنا صورت

گرفته است از او خواستند تا اگر به کسی شک دارد

اعلام کند که در این مرحله زن جوان ادعا کرد به مرد

جوانی که برق کار خانه اش بوده مظنون است.

در این شاخه از تجسس‌ها، ماموران روز ۱۹ تیرماه،

مرد برق کار را دستگیر کردند اما این مظنون اصرار به

بی‌گناهی داشت تا این که ماموران با بررسی‌های فنی

و دقیق تر بی‌گناه بودن مرد برق کار اطمینان پیدا

کردند و تنها مظنون پرونده آزاد شد.

■ شناسایی سارق زن نما

تجسس‌های پلیسی ادامه داشت و ماموران با

اقدامات فنی و پلیسی با توجه به رفت و آمدهایی که